

نقش سازمان عقیدتی سیاسی در فرهنگ‌سازی سیاسی در نیروی انتظامی

یوسف ترابی^۱

محمدجواد نصراله‌زاده^۲

چکیده

زمینه و هدف: سازمان‌های مدیریتی، نقش مهمی در فرایند نیل به اهداف و آرمان‌های سازمان دارند. مطالعه این نقش‌ها و کارکردهای سازمان‌های مدیریتی، به‌گونه‌ای مطالعه جامعه‌شناختی کارکردی سازمان تلقی می‌شود. سازمان عقیدتی سیاسی از سازمان‌های تابع نیروی انتظامی کشور است که مهم‌ترین کار ویژه آن «کمک به پلیس و نیروی انتظامی اسلامی و در تراز جمهوری اسلامی ایران» و فرهنگ‌سازی سیاسی در نیروی انتظامی است. این نوشتار به بررسی نقش سازمان عقیدتی سیاسی در فرهنگ‌سازی سیاسی در نیروی انتظامی می‌پردازد.

روش تحقیق: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع موجود متعلق به دیدگاه‌های رهبر انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) و با استفاده از رویکرد نهادگرایی انجام گرفته است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یکی از کارکردهای مهم سازمان عقیدتی سیاسی، «فرهنگ‌سازی سیاسی» و توسعه و تعمیق فرهنگ سیاسی مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های اسلامی در میان منابع انسانی و فرماندهان نیروی انتظامی است که بخشی مهم از حوزه بصیرت سیاسی سازمانی را شامل می‌شود. سازمان عقیدتی سیاسی مأموریت تکوین سازمان پلیس در تراز جمهوری اسلامی ایران را از طریق زیر انجام می‌دهد: ۱- آموزش و تربیت معرفت‌شناختی و اعتقادی فرماندهان و منابع انسانی پلیس؛ ۲- آموزش و تربیت اخلاقی و رفتاری فرماندهان و منابع انسانی پلیس؛ ۳- آموزش و تربیت سیاسی فرماندهان و منابع انسانی پلیس؛ ۴- فضا سازی معنوی و اخلاقی در درون ساختارهای مختلف نیروی انتظامی؛ ۵- پیشگیری از انحرافات و کزروی‌های فرماندهان و منابع انسانی پلیس؛ ۶- نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی به‌عنوان یک «کنش ارزشی» در فعالیت‌های فرماندهان و منابع انسانی پلیس.

واژه‌های کلیدی: نیروی انتظامی، سازمان عقیدتی سیاسی، فرهنگ‌سازی، فرهنگ سیاسی، بصیرت سیاسی، نهادگرایی.

۱. دانشیار گروه سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) utorabi14@gmail.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی.



۱- مقدمه

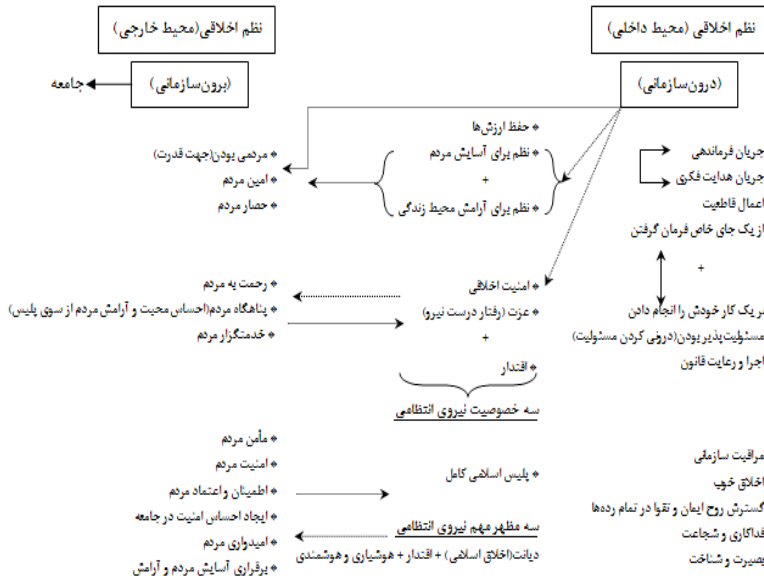
«سازمان عقیدتی سیاسی» در منظومه ساختار سازمانی پلیس جمهوری اسلامی ایران، نقش‌های مهمی را ایفاء می‌کند. توسعه و تعمیق فرهنگ دینی، هنجارها و ارزش‌های توحیدی مکتب اسلام و تشیع، و تعمیق بصیرت سیاسی در میان فرماندهان و منابع انسانی، و ارائه تصویر شفاف از یک سازمان پلیسی مطلوب اسلامی و مردمی در خدمت عدالت، سلامت اجتماعی، نظم و امنیت، آرامش و آسایش عمومی، احساس امنیت مردم و افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی نظام سیاسی، از مهم‌ترین کارکردهای سازمان عقیدتی سیاسی تلقی می‌شود. انگاره تحقق جامعه اسلامی مطلوب و دولت اسلامی، بدون وجود سازمان‌های شایسته و کارآمد در تراز جمهوری اسلامی ایران، معنادار نیست. سازمان عقیدتی سیاسی در دو بُعد کلان «اعتقادی» و «سیاسی»، مسئولیت تربیت منابع انسانی، مدیران و فرماندهان متدین، انقلابی، مردمی و متخصص در عرصه‌های اعتقادی، ایمانی، اخلاقی و رفتاری از یکسو و از سوی دیگر تربیت سیاسی آن‌ها را از طریق تقویت بصیرت سیاسی و فرهنگ سیاسی مشارکت‌گرا و متعهدمحور، عهده‌دار است. مقاله حاضر پویشی به منظور ترسیم فرایند فرهنگ‌سازی سیاسی، در نیروی انتظامی است؛ فرهنگی که بخشی بسیار مهم از فرهنگ سازمانی پلیس جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد.

پلیس متدین، پلیس عزیز و نفوذناپذیر، پلیس مقتدر، پلیس امانت‌دار و عفیف، پلیس قاطع و هوشمند، پلیس مهربان، رثوف و مردمی، پلیس بصیر و آگاه به مسائل اجتماعی و سیاسی، از جمله واژگانی است که طی دو دهه گذشته در بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مکرر بیان شده است تا از رهگذر فرهنگ‌سازی و نهادینه شدن هنجارها و ارزش‌های اسلامی در درون نیروی انتظامی، زمینه‌های لازم برای تکوین پلیس مطلوب جامعه اسلامی و دولت کریمه اسلامی فراهم گردد (بنگرید به نمودارهای شماره ۱ و ۲).



نمودار (۱): ۳۱ مؤلفه «پلیس اخلاقی» از دیدگاه مقام معظم رهبری (نصراله‌زاده، ۱۳۹۲)

نقش سازمان عقیدتی سیاسی در فرهنگ‌سازی سیاسی در نیروی انتظامی

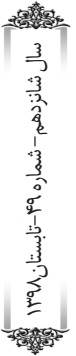


نمودار (۲): بستری‌های نظم اخلاقی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (نصراله‌زاده، ۱۳۹۲)

در این الگو، جنبه‌های سازمانی و کارکردی مأموریت‌های نیروی انتظامی وجود دارد برای نمونه:

* جنبه‌های سازمانی

- اعمال قاطعیت (شماره ۳)
- از یک جای خاص فرمان گرفتن (شماره ۴)
- اجرا و رعایت قانون (شماره ۷)
- هر یک کار خودش را انجام دادن (شماره ۵)
- مسئولیت پذیر بودن (شماره ۸)
- مراقبت سازمانی (شماره ۶)



* جنبه کارکردی

این موارد ضمن اینکه برای تشکیل، گسترش و تحکیم مأموریت‌های نیروی انتظامی مهم هستند، اما از دیدگاه مقام معظم رهبری، جهت اصلی حرکت (یا قدرت) نیروی انتظامی، «مردمی بودن» آن است که دلالت بر الزامات محیط یا واقعیت‌های بیرونی (شماره ۱۳) دارد.

۲- مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

تعریف فرهنگ

فرهنگ^۱ به معنای پندارها، گفتارها و کردارهای سازمان‌یافته‌تر در اجتماع است و یا اینکه بگوییم فرهنگ، شیوه و سبک زندگی است (بیلنگتون و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۲).

بر اساس بیانیه یونسکو در کنفرانس ۱۹۸۲ مکزیک، کارکردهای فرهنگ، توانمندسازی انسان در تأمل و تفکر در خویشتن است و اینکه تنها از طریق فرهنگ، انسان می‌تواند خود را شناخته و از خویشتن خویش آگاهی یابد.

و از توانایی‌های خود مطلع شود و در مورد دستاوردهای خودش سؤال نماید و به‌طور خستگی‌ناپذیری به جستجوی معانی جدیدی برود و تلاش کند بر محدودیت‌های خویش فائق آید (میلر و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۸).

امام خمینی (ره) فرهنگ را مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های هر ملت تلقی می‌کند (خمینی، ۱۳۶۴: ۲۷۳).

ایشان در اهمیت نقش و کارکردهای فرهنگ در سرنوشت ملت‌ها می‌فرمایند: «قضیه تربیت یک ملت، به این است که فرهنگ آن ملت، فرهنگ صحیح باشد. شما کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید.

جوان‌هایی که در این فرهنگ تربیت می‌شوند، همان‌هایی هستند که مقدرات کشور در دست آن‌هاست. اگر این‌ها درست بار بیایند، خدمتگزاری به مردم و امانت‌داری بیت‌المال تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می‌کند. اگر ملتی فرهنگش این‌طور تربیت شود، این فرهنگ، فرهنگ

1. Culture.



غنی اسلامی است و مملکت، یک مملکت آرام و مترقی خواهد بود (خمینی، ۱۳۶۴: ۷۴).
 «فرهنگ یک جامعه، اساس هویت آن جامعه است. فرهنگ اعم از مظاهر فرهنگی (زبان، خط) یا آنچه باطن و اصل تشکیل دهنده پیکره فرهنگ ملی است مانند عقاید، موارث ملی، خصلت‌های قومی و بومی؛ این‌ها ارکان و مصالح تشکیل دهنده فرهنگ یک ملت است» (سیاه‌پوش و آقاپور، ۱۳۹۰: ۱۶).

فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی شاید برای نخستین بار توسط «گابریل آلموند» در علوم سیاسی به کارگیری شده باشد. او معتقد است که فرهنگ سیاسی، الگوی ایستارها و سمت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک جامعه است؛ «سیدنی وربا» همکار او معتقد است که فرهنگ سیاسی از نظام اعتقادی، تجربه، نمادهای معنادار ارزش‌هایی که معرف کیفیت انجام اقدام سیاسی است، تشکیل می‌شود (راش، ۱۳۷۷: ۱۰۶-۱۰۵).

فرهنگ سیاسی بخشی از فرهنگ یک جامعه و ملت را تشکیل می‌دهد که معطوف به امور، پدیده‌ها و رفتارهای سیاسی مردم است. فرهنگ سیاسی در دو عرصه کلان سطح «نخبگان سیاسی» و سطح «مردم و شهروندان» بروز و ظهور دارد و در همین رابطه برخی فرهنگ سیاسی را به دو دسته کلان «فرهنگ سیاسی نخبگان» و «فرهنگ سیاسی توده مردم» تقسیم می‌کنند (همان).

اما از لحاظ کارکردی، فرهنگ سیاسی به سه دسته متمایز از هم تقسیم می‌شود:
 ۱. فرهنگ سیاسی مشارکت‌جو؛ اشاره به فرهنگ سیاسی دارد که در آن فرایندهای سیاسی، مشارکت بالفعل و بالقوه دارد و مردم در آن از مسائل سیاسی آگاهی دارند و می‌توانند مطالبات سیاسی خود را مطرح کنند و حمایت سیاسی خود را از رهبران سیاسی اعمال نمایند. در این رویکرد، مردم و شهروندان یک جامعه در قبال امور سیاسی جامعه، پویا و فعال هستند و حالتی کنشی دارند و نسبت به تحولات و امور سیاسی احساس مسئولیت می‌کنند و بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیرگذار هستند.

۲. فرهنگ سیاسی پیرو و تبعی؛ افرادی که فرهنگ سیاسی پیرو و تبعی دارند از مقامات حکومتی و قوانین منفعلانه اطاعت می‌کنند اما رأی نمی‌دهند و خود را درگیر امور سیاسی نمی‌سازند.

۳. فرهنگ سیاسی بخشی‌نگر؛ یک فرهنگ سیاسی محدودنگر است و در این وضعیت، مردم و شهروندان از حکومت و سیاست بی‌خبر هستند و اعتنایی به امور سیاسی ندارند. بی‌سوادها، روستائیان ساکن مناطق دورافتاده و پیرزنانی که از حق رأی خود استفاده نمی‌کنند، در جرگه این گروه قرار دارند (جعفرپور، ۱۳۸۹: ۷۸).

«آلموند» نیز از دو نوع فرهنگ سیاسی دیگر با عناوین فرهنگ سیاسی «وفاق‌گرا» و فرهنگ سیاسی «منازعه‌گرا» یاد کرده است. فرهنگ سیاسی در آموزه‌های توحیدی اسلام، بخش مهمی از فرهنگ تلقی می‌شود که معطوف به فعالیت‌ها و مشارکت سیاسی مردم در عرصه‌های مختلف برای معقول‌سازی کاربرد قدرت سیاسی در فرایند تحقق جامعه صالح و دولت اسلامی است و آن را می‌توان مصداقی بارز از فرهنگ سیاسی مشارکت‌جو و پویا تلقی نمود.

۱) عناصر فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی هر ملت، از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. احساس همبستگی^۱ به ملت و میهن‌دوستی؛ ۲. اعتماد به مردم؛ ۳. اعتماد به نهادها و سازمان‌های موجود جامعه؛ ۴. تأثیرگذاری سیاسی فعال؛ ۵. تعهدات مردم و احساس عمیق مسئولیت در برابر هم‌نوعان، سرزمین و ملت خود.

۲) منابع فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی هر ملت و سرزمینی، از منابع گوناگونی تأثیر می‌پذیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. موقعیت جغرافیایی و تاریخی؛ ۲. موقعیت اقتصادی؛ ۳. بافت جمعیتی؛ ۴. ادیان، مذاهب و ایدئولوژی‌ها؛ ۵. خانواده به‌مثابه مهم‌ترین رکن و سلول اجتماعی و تربیتی؛ ۶. بنیان‌های

1 Solidarity.



معرفت‌شناختی؛ ۷. فرهنگ عمومی^۱؛ ۸. خرده‌فرهنگ‌های محلی و بومی^۲؛ ۹. قشرها و طبقات اجتماعی؛ ۱۰. نظام سیاسی مستقر و حاکم.

۳) فرهنگ سیاسی تشیع

در جمهوری اسلامی ایران و نهادها و سازمان‌های دولتی آن، فرهنگ سیاسی تشیع جاری و عاری است و مهم‌ترین نهادها و مولفه‌ها فرهنگ سیاسی تشیع عبارت از: امامت، عدالت، فتوت و جوانمردی، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، شهادت، هجرت در راه خدا، انتظار در عصر غیبت امام زمان، تقیه، نقش بسزایی در فرهنگ عمومی، فرهنگ سیاسی کشور و فرهنگ سازمانی، نهادها و سازمان‌های دولتی و نظامی و انتظامی دارند.

۴) نهادینه‌سازی فرهنگ سیاسی

نهادینه‌سازی^۳ فرهنگ سیاسی، از مهم‌ترین مسائل در یک جامعه و نظام سیاسی و همچنین ساختارهای سازمان‌ها و نهادهای مدیریتی است که عوامل مختلفی در تحقق و عینیت یافتن آن، ایفای نقش می‌کنند. نهادینه‌سازی عبارت است از بروز و ظهور و عینیت یافتن و رفتاری شدن قواعد، هنجارها و ارزش‌های موردنظر در کل یک جامعه و یا یک سازمان و مؤسسه مدیریتی.

رویکرد نهادینه‌سازی بر مؤلفه‌ها و متغیرهای روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی در بررسی‌های اجتماعی تأکید دارد و نهادگرایان بر ساختارهایی مانند دین، مذهب، خانواده، فرهنگ، آموزش و پرورش، رسانه‌های ارتباط جمعی،

و سبک زندگی، در عینیت یافتن هنجارها و ارزش‌ها در روابط اجتماعی و رفتارهای روزمره مردم با همدیگر و با سازمان‌ها تأکید می‌نمایند. این رویکرد دارای چهار نگاه پایه‌ای است که عبارت‌اند از:

۱. نهادینه‌سازی در چارچوب القای گام به گام ارزش‌ها؛ این نگاه در یک محیط اجتماعی و در یک سیستم مطرح می‌شود. برای مثال سازمان‌هایی که اهداف کاملاً مشخص و عملیات

1. Public Culture.

2. Sub-Cultures.

3. Institutionalization.

تخصصی تر و فنی تری دارند، بیشتر در معرض نهادینه سازی قرار دارند تا سازمان‌هایی که فاقد این خصوصیات هستند.

۲. نهادینه سازی به مثابه ایجاد واقعیت؛ از منظر برگر و لاکمن، نهادینه سازی دارای سه گام است:

برونی کردن، صورت واقع دادن و درونی کردن. اقدامات همکاران در یک سیستم، مرحله برونی کردن است؛ زمانی که این اقدامات تفسیر و تعبیر می‌شوند واقعیتی مستقل از اقدامات و شخص همکاران است که مرحله صورت‌واقع دادن است و پس از این مرحله، ابتکارات و اقدامات، درونی، می‌شوند که این گام درونی کردن تلقی می‌شود. نهادینه سازی فرایندی است که توسط آن کنشگران، آن چیزی را که از نظر اجتماعی به‌عنوان واقعیت تعریف شده است، انتقال می‌دهند.

۳. نظام‌های نهادی به‌عنوان دسته‌ای از مؤلفه‌ها؛ در این ویژگی، این امر مورد تأکید است که نظام‌های اعتقادی نهادینه شده، دسته‌ای مجزا از مؤلفه‌هایی را تشکیل می‌دهند که چه بسا وجود و یا تکامل ساختار سازمان را تعیین می‌کنند.

۴. نهادها به‌عنوان سپهرهای برجسته اجتماعی؛ نهادهای اجتماعی شده اشاره به نظام‌های نسبتاً بادوام اعتقادات اجتماعی و عملیاتی دارد که به‌طور اجتماعی سازمان‌دهی شده‌اند و همراه با عرصه‌های کارکردی در شرف تغییر در داخل نظام‌های اجتماعی قرار دارند (ایروانی، ۱۳۷۷: ۸۰-۷۸).

«تالکوت پارسونز» از متفکرانی که در مورد نهادینه سازی دارای نظریه است. او معتقد است که نهادینه سازی عبارت است از نظم‌دهی به فعالیت‌ها و ارتباطات؛ یعنی زمانی نهادینه سازی عینیت پیدا می‌کند که همه تلاش‌ها و فعالیت‌های یک نظام، به‌صورت منظم و مرتبط باهم و هماهنگ در مسیر هدف باشند. پارسونز معتقد است برای نهادینه سازی باید به تعیین برنامه زمانی معین پرداخت به نحوی که برای فعالیت‌های گوناگونی که از افراد انتظار می‌رود زمان‌های متنوعی اختصاص داده شود به‌ویژه در جوامع پیچیده که



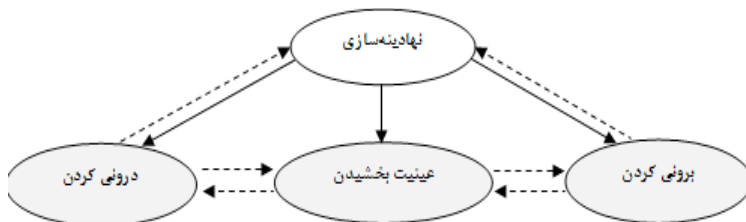
بدون برنامه‌ریزی و بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی در این زمینه، نمی‌توان به کار خود ادامه داد (پارسونز، ۱۳۷۸: ۴۴۹). در این تعبیر، نهادینه‌سازی بروز و ظهور رفتارهای خاص موردنظر و مطلوب است که در کنش‌ها و واکنش‌های روزمره مردم یک جامعه مشاهده می‌شود.

از دیگر متفکران که در زمینه نهادینه‌سازی دارای دیدگاه علمی هستند، می‌توان به «برگر» و «لاکمن» اشاره کرد.

برگر اعتقاد دارد برای نهادینه‌سازی رفتارها، لازم است آن‌ها را تبدیل به عادت و رویه کرد؛ به نحوی که رفتار موردنظر به‌طور طبیعی در کنش‌ها و واکنش‌های کنشگران بروز و ظهور داشته باشد (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۱۰۴).

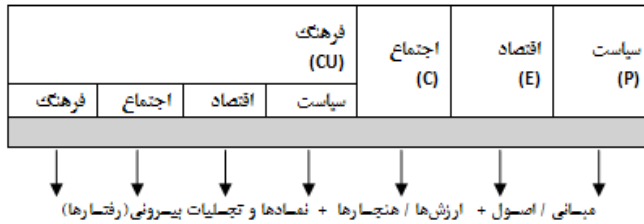
آن‌ها معتقدند که واقعیت اجتماعی و پدیده‌های اجتماعی، دارای ساختی انسانی هستند بدین معنا که این پدیده‌ها محصول کنش‌ها و واکنش‌های انسان‌ها هستند. نهادینه کردن رفتارهای مطلوب و موردنظر در عرصه‌های مختلف، فرایندی است که با تکرار و انجام مکرر آن رفتار خاص، عینیت پیدا می‌کند و به صورت یک روش و عادت نهادینه‌شده در سطح جامعه و نظام اجتماعی درمی‌آید (اهرنجانی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۰۱). آن‌ها اعتقاد دارند که در یک سیستم و نظام، نهادینه‌سازی یک موضوع خاص، در سه مرحله امکان‌پذیر است:

(۱) برونی کردن (۲) عینیت بخشیدن (۳) درونی کردن (ایروانی، ۱۳۷۷: ۷۹).



نمودار (۳): ارتباط نهادسازی و اجزای آن

از سوی دیگر، مؤلفه‌های مهم اثرگذار در نگرش نظام‌یافته با تلفیقی از نظرات «پارسونز» و «شاین» (تأکید بر فرهنگ به‌عنوان کلیت) به‌صورت نمودار شماره ۳ قابل‌نمایش است. آنچه در این نمودار بسیار اساسی است، تجلی ارزش و جایگاه هنجارها و نمادهای برگرفته از اجزاء چهارگانه سیستم پارسونزی-شاینی است:



نمودار (۴): نگرش سیستمی و نقطه نظرات پارسونز و شاین (منبع: سیاهپوش و آقابور، ۱۳۹۰: ۵۹)

۳- نیروی انتظامی؛ سازمانی امنیتی - اجتماعی

مطالعات و بررسی‌های کارکردی پلیس و نیروی انتظامی، بیانگر این واقعیت است که نیروی انتظامی درعین‌حال که یک سازمان پلیسی، امنیتی و مسلح است، یک سازمان اجتماعی نیز تلقی می‌شود؛ مهم‌ترین دلیل این مدعا، جغرافیای مأموریت‌ها و وظایف پلیس و نیروی انتظامی است. منظومه جغرافیای فعالیت‌های مأموران پلیس امور و مسائل مختلف مرتبط با نظم، انضباط، امنیت مردم و شهروندان و متن جامعه و درون اجتماع است؛ محیط و متنی که در آن رفتارهای بهنجار، قانونی و ناهنجار و غیرقانونی مردم در روابط با همدیگر و با نهادها و سازمان‌های مختلف بروز و ظهور پیدا می‌کند و ارتباط عمیق نهاد پلیس و نیروی انتظامی با لایه‌های اجتماعی، اقشار، طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی، قومی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و... عینیت دارد و در بسیاری موارد، نیروی انتظامی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با آن‌ها مرتبط است (ترابی، ۱۳۹۵).



در یک تقسیم‌بندی دیگر، مأموریت‌های نیروی انتظامی به سه مورد تفکیک می‌شود:

۱. برون‌سازمانی (صبغه اجتماعی) ۲. درون‌سازمانی ۳. جهت‌گیری برون‌مرزی.

مأموریت‌های توزیع‌شده در سه مورد مذکور، با توجه به «محتوای مأموریت‌ها» و «نوع کارکردها» صورت گرفته است.

به عبارت بهتر، استنتاج غالب مأموریتی، آن‌ها را به سمت سه مورد طبقه‌بندی مأموریتی فوق سوق داده است. از این رو، احتمال همپوشانی میان آن‌ها وجود دارد که چندان به فضای استدلالی بحث لطمه وارد نمی‌سازد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بیشترین تعداد مأموریت‌ها (۱۰ مورد) مربوط به «صبغه اجتماعی» است که آمیزه‌ای از ابعاد «نظم» و «امنیت» است. بعداز آن به ترتیب موارد درون‌سازمانی (۵ مورد) و جهت‌گیری مکمل برون‌مرزی (۳ مورد) قرار می‌گیرند (بنگرید به نمودار شماره ۵).

از منظر جامعه‌شناختی، جوهره و کارکرد بیرونی انقلاب با کلیت «مردم»، خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها پیوند برقرار کرد.

در این کارکرد، «مردم» درکلی‌ترین سطح خود مورد توجه بوده و تمایزات جنسی، شغلی، طبقه‌ای (قشری) و...

تا حد زیادی تحت الشعاع آن قرار داشت. ضمن اینکه خیلی از موضوعات و مسائل اجتماعی، فرهنگی و فضای اخلاقی ناشی از انقلاب، در مراحل اولیه حل شده و به مجموعه‌های نظامی - انتظامی کشانده نمی‌شد. به علت اینکه سطح توقعات پایین بود، سطح رضایت از محیط در سطح بالا قرار داشت و وجود جنگ تحمیلی نیز مزید بر علت شده بود.

اصولاً در فضای جنگ، توقعات، آرزوها و خواسته‌های مردم در سطح پایین مانده بود. در عین حال، بعد از چند سال اول انقلاب که بی‌نظمی، ناامنی و نابسامانی در اوج خود بود، نظم و امنیت حداقلی، شرایط ایده‌آل ایجاد می‌کرد و همه این‌ها مأموریت‌های مجموعه‌های انتظامی را در حد معمولی نگه می‌داشت.



نمودار (۵): تقسیم‌بندی سه‌گانه مأموریت‌های نیروی انتظامی (نصراله‌زاده، ۱۳۹۲)

نقش سازمان عقیدتی سیاسی در فرهنگ‌سازی سیاسی در نیروی انتظامی



نیروی انتظامی و پلیس در هر نظام سیاسی و جامعه‌ای، به دلیل ارتباط مستقیم با متن جامعه و مقابله با آسیب‌های اجتماعی، جرائم، باندهای بزهکاری و تبهکاران، در معرض انواع کج‌روی‌ها و فسادها قرار دارد؛ روباک و بارکر هشت فساد عمده در سازمان‌های پلیسی را چنین برشمرده است:

۱. فساد اقتدار؛ زمانی رخ می‌دهد که پلیس به واسطه جایگاه خویش به‌عنوان پلیس، دستاورد مادی نامشروعی را دریافت کند بدون اینکه فی‌نفسه از قانون تخلف نماید. مردمی که می‌خواهند قدردانی خود را از پلیس اعلام نمایند، تمایل دارند به پلیس پاداشی در قبال اقداماتش بدهند. وعده‌هایی مانند غذا، کالا، پرداخت نقدی، بلیت سفر و... این نوع فساد از شایع‌ترین فسادها تلقی می‌شود.

۲. باج؛ پلیس ممکن است از دیگران چیزهایی همچون کالا، خدمات و یا پول به‌عنوان باج دریافت نمایند.

۳. دزدی فرصت‌طلبانه؛ به اعمالی مانند مصادره و ضبط کردن پول و اجناس یا دیگر اشکال تصاحب در حین اجرای مأموریت اشاره دارد؛ برای مثال اگر پلیس بخشی از کالای قاچاق را برای خود نگه دارد مرتکب دزدی فرصت‌طلبانه شده است.

۴. تلکه‌گیری و یا رشوه؛ نوعی اقدام فرصت‌طلبانه از متهمان و مجرمان در قالب دریافت وجه و امتیاز است تا آنان را تحویل محاکم قضایی ندهد.

۵. فراهم کردن چتر حمایتی برای بزهکاران؛ در این حالت، مأموران پلیس با نوعی حمایت از بزهکاران و باندهای فساد، اقدام به کسب درآمد نامشروع می‌کنند.

۶. دردرس و یا هچل؛ به اعمال و رفتارهای اشاره دارد که در آنها، پلیس، نخست فرد را به مخمصه انداخته و سپس مسیر را به‌نحوی آماده می‌کند که به نفعی تعقیب متهم منجر شود و از این طریق اقدام به اخذ پول و یا امتیاز می‌نماید تا آنان را تحویل محاکم قضایی ندهد.

۷. مشارکت در فعالیت‌های جنایی مانند سرقت و دستبرد از بانک‌ها، تلافروشی‌ها و شرکت‌های تجاری بزرگ.

۸. باج داخلی؛ نوعی فساد درون‌سازمانی است که مأموران امتیازاتی را از همکاران خود می‌خرند و یا در قبال انجام کاری در درون سیستم، اقدام به اخاذی و باج‌خواهی می‌نمایند (محدثی، ۱۳۸۸: ۳۴).

«پانچ» که از محققان علوم پلیسی است، نوع دیگری از فساد سازمان پلیس را نام برده که عنوانش جاسازی و یا از بین بردن و یا اضافه کردن شواهد، اسناد و مدارک متعلق و مرتبط با جرم و بزه است تا به متهم و مجرم کمک و مساعدت نماید و از این طریق، چیزی عایدش شود (همان، ۳۶).

۴- اجتماعی بودن سازمان نیروی انتظامی در بیانات مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد اجتماعی بودن سازمان نیروی انتظامی می‌فرمایند: «من مکرر به برادران نیروی انتظامی گفته‌ام و به شما هم می‌گویم که کار شما بسیار ظریف است و با بقیه نیروهای مسلح تفاوت عمده‌ای دارد، چون شما با متن مردم مواجهید، با جوان، پیر، بچه، با کوچک، با آدم کم‌ظرفیت، با آدم متوقع؛ محیط کار شما، محیط زندگی مردم با خُلق‌های مختلف است، بنابراین باید با ظرفیت کار کنید، البته سخت است لیکن لازم است» (بیانات در دیدار با فرماندهان ناجا - ۱۳۸۱/۷/۱۴).

«نیروی انتظامی نیروی مسلح اجتماعی است؛ نیروی مسلح منزوی نیست. در پادگان‌ها نیست؛ در بازارها هست، در متن زندگی مردم هست. در عین حال نیروی مسلح هم هست، موظف به حفظ امنیت و نظم است آن‌هم با قدرت مسلح؛ وسط زندگی مردم هم هست، این خیلی حساس و ظریف است» (بیانات در دیدار با مسئولان عقیدتی‌سیاسی ناجا - ۱۳۸۳/۱۰/۲۳). «پلیس در واقع مظهر اقتدار ملی است که در دولت متجلی است. اگر پلیس بتواند با قدرت روحی‌اش، با اراده‌اش، با توانایی علمی‌اش، با پیگیری‌اش و با مناعتش بر تخلف غالب بیاید، مردم احساس عزت می‌کنند. نیروی انتظامی علاوه بر اقتدار ظاهری که باید به‌دوراز خشونت و تندخویی باشد، با برقراری ارتباط صمیمی با مردم، اقتدار معنوی را بیش‌ازپیش تقویت کند» (بیانات در دیدار با فرماندهان ناجا - ۱۳۷۹/۷/۱۸).



«نیروی انتظامی قوی و مقتدر باشد، هوشمند و پیچیده باشد، سالم و امین باشد، سریع و به‌هنگام باشد، مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد» (بیانات در دانشگاه علوم انتظامی - ۱۳۸۱/۷/۱۵). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد مأموریت‌های ناجا و ضرورت خصوصیات‌ی که ناجا و مأموران آن لازم است کسب نمایند، می‌فرماید:

«اگر ما عرض کردیم - تأکید هم می‌کنیم - که نیروی انتظامی باید مظهر عزت و اقتدار و رحمت باشد، این در واقع نشان دادن عزت و اقتدار و رحمت مدیریت کشور است. به چه کسی؟ نه به یک قشر خاص، نه به مردم معینی از آحاد کشور یا در منطقه‌ای از مناطق کشور، بلکه به همه؛ چرا؟ چون نیروی انتظامی همه‌جا هست. من در اینجا خصوصیت امانت در برابر عرض و مال و جان و محارم و خانه و محل کار مردم را اضافه می‌کنم. رعایت امانت یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین کارهاست ... اگر نیروی انتظامی با اتکا به این انسان‌های مؤمن و به این نظامی که انسان مؤمن می‌پرورد، بخواهد به اهداف والایی که این نیرو دارد، برسد - که ان‌شاءالله هم می‌تواند به آن اهداف برسد - باید همه تلاش‌ها و همت‌ها متوجه این قضیه بشود؛ یعنی شما کار خود را به‌عنوان یک خدمت و به‌عنوان یک وظیفه به‌عنوان یک ابزار تقرب الی‌الله بنگرید و در نظر بگیرید. همیشه فساد انسان‌ها وقتی شروع می‌شود که آن اختیار و امکانی را که در دست آن‌هاست به‌عنوان یک ابزار شخصی به‌حساب بیاورند نه به‌عنوان یک ابزار برای انجام وظیفه الهی؛ این، آن نقطه انحطاط و انحراف است ... مراقب باشید خط مستقیم و راه شناخته‌شده و درست را که راه وظیفه و راه قانون است از دست ندهید و رها نکنید. از طرفی رعایت وظیفه و رعایت قانون، از طرفی محبت به مردم. سخت‌گیری در موارد تخلف، در عین حال محبت و گذشت در موارد قابل‌گذشت، خود را، احساسات خود را، شأن خود را، در مقابل وظیفه نادیده گرفتن، ابزار قانونی را، به‌عنوان وسیله‌ای برای تقرب الی‌الله به‌کار بردن. ببینید وقتی همه چیزها باهم جمع شود، آن وقت فضل و کمک و تأیید الهی حتمی است. خدای متعال در این مدت، این ملت و امام بزرگوار ما را، که انصافاً مظهر همه این خصوصیات بود، به کمک همین خصوصیات تأیید و کمک کرد و پیش برد» (بیانات در



دیدار با فرماندهان و کارکنان ناجا، ۱۳۷۸/۷/۱۷).

۵- نقش‌ها و کارکردهای سازمان عقیدتی سیاسی

سازمان عقیدتی سیاسی به‌عنوان یکی از سازمان‌های وابسته به پلیس و نیروی انتظامی، وظایف و مأموریت‌های بسیار مهم و تعیین‌کننده در ارتباط با تکوین و تحقق یک سازمان پلیسی و نیروی انتظامی متدین در تراز جمهوری اسلامی ایران با فرهنگ‌سازمانی، فرهنگ رفتاری و فرهنگ سیاسی مطلوب دارد. کیفیت و چگونگی رفتاری و کارکردی سازمان پلیس، مأموران و فرماندهان آن تا حدود زیادی در گرو چگونگی و کیفیت کارکردی نهاد عقیدتی سیاسی است. مهم‌ترین مأموریت‌های سازمان عقیدتی سیاسی عبارت‌اند از:

۱. تربیت مربیان و اساتید عقیدتی- سیاسی در سطوح مختلف برای آموزش و تربیت فرماندهان و کارکنان ناجا؛

۲. انتشار منابع و متون آموزشی در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و سیاسی؛

۳. ساخت و تولید فیلم‌های آموزشی و تبلیغاتی در حوزه مأموریت‌های خود؛

۴. برگزاری کلاس‌های آموزشی و تربیتی در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و سیاسی؛

۵. تشکیل اتاق‌های فکر و کرسی‌های نظریه‌پردازی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی و سیاسی؛

۶. برقراری ارتباط علمی، آموزشی و تحقیقاتی پویا با مجامع علمی، دانشگاهی و حوزه‌های علمیه؛

۷. بهره‌برداری از سازوکارها و شیوه‌های نوین اثربخش تبلیغاتی و آموزشی؛

۸. فضاسازی معنوی و دینی در درون سازمان نیروی انتظامی؛

۹. کمک به پیشگیری از انحرافات و کژروی‌های فرماندهان و مأموران؛

۱۰. تبیین و تعمیق جهان‌بینی توحیدی اسلام در سازمان پلیس، فرماندهان، مدیران و

نیروهای انسانی؛

۱۱. تبیین احکام شریعت اسلامی برای فرماندهان، مدیران و نیروهای انسانی؛

۱۲. نهادینه‌سازی هنجارها، ارزش‌ها، اخلاق و احکام اسلامی در رفتارهای فرماندهان،

مدیران و نیروهای انسانی؛



۱۳. تکوین فرهنگ سازمانی توحیدی مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های اسلامی؛
۱۴. تبیین و تعمیق بصیرت و آگاهی سیاسی فرماندهان، مدیران و نیروهای انسانی؛
۱۵. نهادینه‌سازی ولایت‌پذیری و پیروی از سلسله‌مراتب فرماندهی کل قوا؛
۱۶. نهادینه‌سازی قانون‌گرایی و جامعه‌پذیری در میان فرماندهان، مدیران و نیروهای انسانی؛
۱۷. تعمیق روحیه جهادی-انقلابی در میان فرماندهان، مدیران و نیروهای انسانی؛
۱۸. تعمیق روحیه فتوت و جوانمردی در میان فرماندهان، مدیران و نیروهای انسانی؛
۱۹. تعمیق روحیه عزت و نفوذناپذیری در میان فرماندهان، مدیران و نیروهای انسانی؛
۲۰. فراهم‌سازی زمینه‌های تعمیق سرمایه اجتماعی پلیس از طریق اعتمادسازی مردم به پلیس و مأموران و جلب همکاری و مشارکت مردمی.

مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و مدیران سازمان‌های عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح و به‌ویژه عقیدتی سیاسی ناجا، به‌طور مکرر بر اهمیت نقش این سازمان‌ها و روحانیت، در تکوین نیروی انتظامی متدین و مطلوب و سازمانی که در رفتار و عمل سازمانی، آراسته به شاخص‌های اسلامی و عامل به احکام اسلامی و مدافع هنجارها و ارزش‌های اسلامی در جامعه هستند، تأکید داشته‌اند: «همه تلاش‌های برادران عقیدتی سیاسی، مقدمه است برای اینکه احساس حضور در پیشگاه الهی و این روح دیانت در یکایک افراد، به‌وجود بیاید؛ یعنی جهت‌گیری این است. ما باید درس‌ها و تلاش‌های فرهنگی و کلاس‌ها و گزینش‌ها را، این چیزهایی که غالباً در مجموعه کارها می‌گنجد، با این معیار بسنجیم و ببینیم که آیا این افراد را به خدا نزدیک می‌کند؟ آیا این احساس حضور را در دل آن‌ها زنده می‌کند؟ یا نمی‌کند؟ اگر کرد خوب است و الا... البته آقایان روحانیون عزیز ما می‌دانند و باید دائماً توجه داشته باشند که «عمل» بیش از «زبان» کارایی دارد، بهترین گویندگان و شیرین‌ترین معلمان و واعظان و بیان‌کنندگان اگر عملشان بلنگد، همه این شیرین‌زبانی‌ها نقش بر آب خواهد شد. ما باید معلمان را درست کنیم. معیارها همان بلندنظری، طهارت، بی‌اعتنایی به «ما فی ایدی الناس» و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی و به بیش از آنچه برحسب قواعد اجتماعی به ما تعلق می‌گیرد،

صلابت در بیان و اجرای حقایق و سست نشدن و نلرزیدن دست و پاست. این انقلاب عظیم ما، این جمهوری مستحکمی که بحمدالله به وجود آمده، این آبرویی که امروز اسلام به برکت جمهوری اسلامی به دست آورده، این‌ها کارهای معجزه‌آسایی است. این کارهای معجزه‌آسا با زبان و با تبلیغ و با جانم و عزیزم و با زور نمی‌شود. اگر امام بزرگوار که قائد این کاروان بود، حرف او منطبق با رفتارش نمی‌شد امکان نداشت؛ منتها آن بزرگوار چیزی را نگفت مگر آنکه عمل کرد و عمل کرد بیش از آنچه گفت و در عمل شخصی و جمعی، مثل کوهی بر سر مواضع اعلام‌شده خود ایستاد» (بیانات در دیدار با مسئولان سازمان عقیدتی سیاسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مکرر پیرامون فرایند تحقق نیروی انتظامی مطلوب و در تراز جمهوری اسلامی ایران و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن بیانات مهم و ارزشمندی داشته‌اند؛ به نحوی که می‌توان اذعان نمود که نقشه راه تحقق پلیس و نیروی انتظامی مطلوب قرآن و اسلام را به خوبی ترسیم کرده‌اند که به یک نمونه اشارت می‌گردد:

«انتظار مردم از دولت و حکومتی که آن‌ها قبولش دارند این است که اقتدار ملی را که مظهر این اقتدار هم دولت است، حفظ کند. یک ملت عزتی دارد، نیرویی دارد، اقتداری دارد، این را در دست مجموعه‌ای به نام دولت سپرده است و انتظار دارد که این اقتدار حفظ بشود و آن‌هم به بهترین وجهی در خدمت ملت استفاده گردد ...

مظهر این اقتدار در محیط زندگی مردم کیست؟ نیروی انتظامی. این مسئله خیلی مهمی است. پلیس در واقع مظهر اقتدار ملی است که در دولت متجلی است. اگر متخلف بتواند پلیس را دور بزند یا او را فریب دهد، یا او را تطمیع کند و خلاصه او را شکست بدهد، مردم احساس شکست خوردگی می‌کنند. اگر پلیس بتواند با قدرت روحی‌اش، با اراده‌اش، با توانایی عملی‌اش، با پیگیری‌اش، با منعش بر متخلف غالب بیاید، مردم احساس عزت می‌کنند ...

به‌طور طبیعی پلیس محبوب مردم است ... اگر بخواهید این مظهر اقتدار عزیز باشد، باید شرایط لازم را به‌طور کامل بی‌گذشت و بی‌اغماض در داخل نیرو به‌وجود بیاورید ... نگذارید



هیچ خطایی در نیروی انتظامی بدون برخورد بماند ... اجازه ندهید کارکنان و پرسنل نیرو از آن خط دقیقی که از لحاظ قانونی و دینی و اخلاقی برای آنها معین شده است، اندکی تخطی کنند؛ امانت را از آنها به جد بخواهید و مطالبه کنید ... اگر بخواهیم آن اقتدار و آن عزت تحقق پیدا کند، نیروی انتظامی باید در درون خودش امانت و بلندنظری و مناعت و اخلاق را رعایت بکند ... نکته دیگر، عزیزان من، ضامن همه این‌ها، تدین و دین‌داری است ... سعی کنید در محیط کارتان و در هر جا که مشغول فرماندهی یا اعمال مسئولیت‌های خودتان هستید، مجموعه را دین‌باور و پایبند به عمل دینی بار بیاورید.

البته برادران عزیز عقیدتی‌سیاسی در اینجا تشریف دارند که باید بگویم بخش مهمی از این مسئولیت، بر دوش آنهاست؛ هم با زبان و هم با عمل. گرچه زبان تنها هم کاربرد دارد اما کافی نیست، به‌خصوص اگر خدای ناکرده با عمل ما خیلی منطبق نباشد، آنگاه دیگر به‌کلی بی‌اثر خواهد شد. هم با زبان و هم با عمل، محیط را به‌سوی تدین، تعبد، آگاهی و ارتقای فکر دینی بکشانید تا ان‌شاءالله روزبه‌روز نیروی انتظامی از گذشته خود بهتر و پیشرفته‌تر بشود» (بیانات در دیدار با مسئولان ناجا - ۱۳۷۹/۷/۱۸).

از مجموعه بیانات ایشان، موارد ارزشمندی در مورد پلیس و نیروی انتظامی استنباط می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. نیروی انتظامی، مظهر اقتدار ملی کشور است و شاخص‌های آن عبارت‌اند از: قدرت روحی، اراده، توانایی، پیگیری، مناعت طبع؛ و مواردی که ضامن تحقق این اقتدار است عبارت‌اند از: عدم اغماض از خطاهای مأموران پلیس در درون نیروی انتظامی و برخورد جدی با متخلفان، امانت‌داری، بلندنظری و اخلاق.

۲. نیروی انتظامی، مجموعه‌ای متدین و متعبد، دین‌باور و پایبند به عمل دینی باشد.

نقش و کارکردهای سازمان عقیدتی‌سیاسی در فرایند تحقق نیروی انتظامی مقتدر، عزیز و متدین و محبوب مردم که هم با زبان و هم با عمل باید باشد، عبارت‌اند از:

۱. ایجاد محیط و فضای دینی و معنوی در درون سازمان نیروی انتظامی؛



۲. ایجاد تعبد و روح بندگی الهی در میان مدیران و نیروهای انسانی در درون سازمان نیروی انتظامی؛

۳. ایجاد آگاهی و ارتقاء فکر دینی در میان منابع انسانی نیروی انتظامی.

مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان عقیدتی سیاسی ناجا پیرامون وظایف و کارکردهای خطیر آن، مطالب ژرفی را بیان نموده‌اند:

«نقش روحانیون، نقش هدایت و دستگیری معنوی است؛ همه به روحانی احتیاج دارند، همچنان که به طبیب احتیاج دارند. اگر روحانی در هر نقطه‌ای به وظایف خود عمل کند، آنجا از لحاظ معنوی، آباد خواهد شد؛ گاهی وجود ما عمامه‌ای‌ها، در جاهایی بی‌اثر می‌شود یا احياناً خدای نکرده اثرهای منفی برجای می‌گذارد؛ این به خاطر این است که ما در آن مورد، با وظایف و هویت و منش یک روحانی ظاهر نشده‌ایم ... ما باید مثل پیامبر سراغ افراد برویم. دربارهٔ پیغمبر گفته شده است: «طیب دوار بطبّه قد احکم مراهمه و احمی مواسعه»؛ پیغمبر مثل یک پزشک دوره‌گرد حرکت می‌کرد. پزشکان در مطب خود می‌نشینند تا مردم به آن‌ها مراجعه کنند اما پیغمبران نمی‌نشینند تا مردم به آن‌ها مراجعه کنند، آن‌ها به مردم مراجعه می‌کردند. در کیفشان هم دارو و مرهم داشتند، هم وسیلهٔ نشترزنی داشتند، هم وسیله داغ کردن زخم داشتند برای آنجایی که احتیاج به داغ کردن زخم داشت ... ما اول باید دلمان را پاک کنیم «من نصب نفسه للناس امام فليبداء بتعليم نفسه قبل تعليم غيره»؛ کسی که پیشاهنگ، پیشوا و جلودار جمعیتی می‌شود، اول باید خودش را آماده کند ... خودمان را باید درست کنیم ... چون هر جا روحانی خوب حضور داشته باشد، واقعاً یک مشعل است و نورافشانی می‌کند؛ اما من و شمای روحانی می‌باید و می‌شاید بسازیم و روحانی باشیم.

دو گونه می‌شود در عقیدتی‌سیاسی نیروی انتظامی حضور داشته باشید: یک نوع مطلوب است، یک نوع کم‌اثر است. حالا آن نوع‌هایی که مضر است فعلاً محل کلام ما نیست. حضور کم‌اثر چه نوع حضوری است؟ این‌گونه است که نیروی انتظامی مثل بقیهٔ ادارات برای خودش یک کارهای شکلی تعریف کند و آن‌ها را انجام دهد. این کلاس را باید شرکت کنید، این



آزمون را باید بگذرانید، برای درجه باید این شرایط را در خودتان تحصیل کنید، احیاناً نماز جماعت باید شرکت کنید، بیایند، بروند، نیروی انتظامی هم مثل بقیه ادارات فعالیت کند؛ در چنین حالی، البته نیروی انتظامی کارهایی می‌کند و تأثیراتی می‌گذارد اما سطحی است؛ این از روحانیت متوقع نیست. طور دیگر هم این است که حضور به معنای حقیقی کلمه، روحانی و معنوی باشد، نه اینکه آن وظایف را انجام ندهند؛ چرا، آن وظایف هم وظایفی است که باید انجام بگیرد، در آیین‌نامه‌ها آمده، در قانون آمده، جزء وظایف نیروی انتظامی است لیکن ملاط همه وظایف آن جریان معنوی، روی خوش روحانی، استغناى نفس یک روحانی و یک طلبه و بی‌اعتنایی یک روحانی به تشریفات و چیزهای زیادی و زر و زیورها و مال دنیا است؛ اگر توانستید این را تأمین کنید، آن حضور، مطلوب و ایدئال خواهد بود و اثر خواهد گذاشت ... منش روحانی نباید منش فرماندهی باشد، هرچند تشریفات فرماندهی اصلاً مردمی محض باشد. روحانی نباید خودش را جای فرماندهی بگذارد و فرماندهی بکند، باید توی مجموعه برود. همیشه گرم‌ترین نماز جماعت‌ها متعلق به پیش‌نمازهای مردمی است، با مردم گرم می‌گیرند، با مردم خوش اخلاقی می‌کنند،

بی‌حوصلگی نشان نمی‌دهند، بدخلقی نشان نمی‌دهند، جواب مسئله‌شان را می‌دهند، یک‌وقت اگر کسی بیماری و مشکلی داشته باشد، اگر با پول نتواند، با اخلاق آن مشکل را تسکین می‌دهد.

ما که عقیدتی سیاسی هستیم، بد است که در فلان نیروی مسلح طوری رفتار کنیم که آن آدم زرنگ رند به مذهب تظاهر کند، اما باطنش خبری نباشد، طوری تسبیح به دست بگیرد و صلوات بفرستد، اما باطن قلبش چیزی نداشته باشد، یا دوره و کلاسی را که ما اجبار کرده‌ایم، بگذارند اما فقط الفاظ را یاد گرفته باشد، ایمان و اعتقادی پیدا نکرده باشد، این خوب نیست، این برد نیست؛ برد این است که ما بتوانیم دل او را تسخیر و جذب کنیم، نه برای خودمان، او را دلدادۀ حق و دلدادۀ معنا کنیم و این با عمل ممکن است؛ این را روحانی خوب می‌تواند، افراد غیرروحانی هم می‌توانند ... اگر می‌خواهید اثر بگذارید، چه شما برادران عزیز طلبه



و روحانی، چه شما برادران عزیزی که نظامی هستید و با عقیدتی سیاسی همکاری می‌کنید، راهش این است که دل‌ها را به هم نزدیک کنید، درون را پاک کنید، عمل را خالص کنید، برای خدا کار کنید؛ آن وقت خدای متعال برکت خواهد داد. این می‌شود عقیدتی سیاسی مطلوب» (بیانات در دیدار با مسئولان سازمان عقیدتی سیاسی، ۲۳/۱۰/۱۳۸۳).

مهم‌ترین موارد در سخنان مزبور مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ناظر به سازمان عقیدتی سیاسی، روحانیان و مدیران شاغل در آن‌ها، عبارت‌اند از:

۱. نقش هدایت‌گری و دستگیری معنوی روحانیان؛
 ۲. اخلاص، پاک کردن دل و درون و خودسازی روحانیان و توجه کردن به آموزش و تربیت خودشان؛
 ۳. ایجاد جریان معنوی در سازمان و محیط کار؛
 ۴. بی‌اعتنایی روحانیان به تشریفات و زرق‌وبرق و مال دنیا (ساده زیستی و زی طلبگی)؛
 ۵. استغناء نفس و عزیز بودن روحانیان؛
 ۶. خوش اخلاقی روحانیان و گشاده‌رو بودن آنان؛
 ۷. برخورداری از حلم و سعه‌صدر و تحمل مراجعان و سؤال‌کنندگان؛
 ۸. پرهیز از منش آمرانگی؛
 ۹. مردمی بودن، گرم گرفتن با مردم و نیروهای انسانی؛
 ۱۰. به سراغ نیروهای انسانی رفتن و سؤال از وضعیت آنان؛
 ۱۱. تسخیر و جذب دل‌های نیروهای انسانی؛
 ۱۲. پیشگام بودن در عمل به گفته‌ها و نصایح (عامل بودن در عمل و نه در سخن و گفتار).
- ۶- نقش و کارکردهای سازمان عقیدتی سیاسی در فرهنگ‌سازی سیاسی همان‌طور که در وظایف و مأموریت‌های سازمان عقیدتی سیاسی مندرج است، بخشی از مهم‌ترین مأموریت‌های آن سازمان، فرهنگ‌سازی در ابعاد اعتقادی و سیاسی است که در بُعد سیاسی آن، فرهنگ‌سازی سیاسی مبتنی بر ارزش‌ها و تولید بصیرت سیاسی در درون نیروی



انتظامی و در فکر و اندیشه فرماندهان، مدیران و مأموران نیروی انتظامی اهمیت بسزایی دارد ... اهمیت بینش سیاسی، آگاهی سیاسی و اجتماعی، توانایی تجزیه و تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی و شناخت جریان‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی از ضرورت‌های بسیار مهم فرماندهان، مدیران، مأموران پلیس است و بدون آن‌ها امکان موفقیت سازمان نیروی انتظامی در انجام وظایف و مأموریت‌های خطیر وجود ندارد.

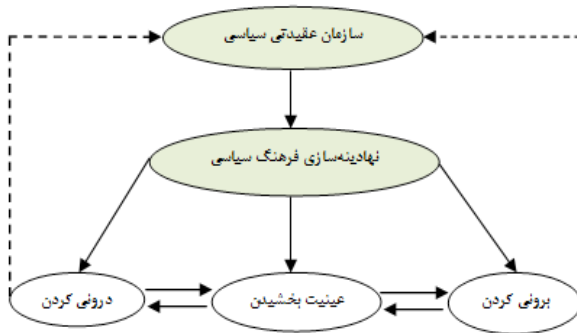
سازمان پلیس بایستی نبض جامعه را به‌مثابه یک حسگر هوشمند و قوی در دست داشته باشد تا بتواند مطالبات و تقاضاهای مردم و اقشار مختلف را به نظام سیاسی و دولت انتقال دهد و همچنین موارد تهدید و خطرهای احتمالی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به‌صورت مستمر و دائمی به مسئولان سیاسی و نخبگان سیاسی کشور منتقل کند و از این طریق، به مدیریت و کارآمدی دولت و نظام سیاسی کمک کند و همچنین نقش بسیج‌کنندگی مردم در حمایت سیاسی از نظام سیاسی و مشارکت سیاسی فعال و پویا را فراهم نماید؛ طبعاً چنین وضعیتی تداعی‌کننده افزایش اعتماد مردم به نظام سیاسی و دولت و افزایش سرمایه اجتماعی نظام سیاسی خواهد بود (ترابی و رفیعی، ۱۳۹۶).

سازمان پلیس و نیروی انتظامی در مقام عمل، یک سازمان امنیتی اجتماعی است که امکان و توانایی تجزیه و تحلیل روندهای تحولات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی را دارا است و طبعاً بدون برخورداری و مسلح شدن به بصیرت سیاسی و فرهنگ سیاسی مسئولانه، امکان ایفای این نقش بسیار مهم و حساس را نخواهد داشت. کارکرد ارزشمند و زیربنایی سازمان عقیدتی سیاسی در توسعه فرهنگ سیاسی تعهدمحور و هوشمندانه مبتنی بر ارزش‌های توحیدی و اسلامی و اطاعت و پیروی آگاهانه از ولایت فقیه که خود یک عمل و کارکرد سیاسی است، دارای اهمیت شایان توجهی است. بصیرت، آگاهی اجتماعی و سیاسی فرماندهان، مدیران و مأموران نیروی انتظامی ضامن موفقیت آنان در فرایند انجام مأموریت‌های خطیرشان است که منجر به کسب اعتماد مردم، ارتقای سرمایه اجتماعی، اقتدار ملی و دفاع از هنجارها و ارزش‌های اسلامی در جامعه، می‌شود و بدون نهادینه‌سازی و حاکمیت فرهنگ سیاسی

تعهدمحور و مسئولانه در لایه‌ها و ساختارهای سازمان پلیس و نیروی انتظامی، نیل به چنین اهداف ارزشمندی ممکن نخواهد بود.

از این موارد، استنباط می‌شود که سازمان عقیدتی سیاسی چه مسئولیت‌ها و چه مأموریت‌های ظریف و مهمی را بر عهده دارد و موفقیت آن در گرو کارآمد بودن سازمان و برخورداری از مدیران و نیروهای انسانی متدین و متعهد و باتقوا و هوشمند و با فراست است که در رأس آن‌ها وجود علماء و روحانیان متقی و ساده‌زیست و مدیر و مدبر و الگو، بسیار تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، تحقق نیروی انتظامی کارآمد و در تراز جمهوری اسلامی ایران، منوط به وجود سازمان عقیدتی سیاسی نمونه و الگو است و اگر امروزه کاستی‌ها و ضعف‌هایی در این زمینه مشاهده می‌شود یکی از دلایل مهم و اساسی آن ضعف‌ها و کاستی‌های سازمان عقیدتی سیاسی است. مواردی همچون کمبود همدلی و هم‌زبانی سازمانی، به‌روز نبودن نظام مدیریت و برنامه‌ریزی سازمان، ضعف مدیران و منابع انسانی سازمان عقیدتی سیاسی، بسنده کردن به روش‌های ناکارآمد آموزشی و تربیتی در سیستم و نظام آموزشی آن، فقدان خلاقیت و نوآوری در درون سازمان عقیدتی سیاسی، کاستی نظام شایسته‌سالاری در ساختار سازمان عقیدتی سیاسی برخی از این کاستی‌ها است (همان).

۷- الگوی مفهومی عام کارکردهای سازمان عقیدتی سیاسی در فرایند نهادینه‌سازی فرهنگ سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی در سه گام و فرایند سه‌گانه از طریق برونی کردن، عینی‌سازی و درونی کردن مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های توحیدی اسلام، می‌تواند به نهادینه‌سازی فرهنگ سیاسی مطلوب در درون سازمان نیروی انتظامی اقدام نماید.



از جمله وظایف بسیار مهم و اساسی سازمان عقیدتی سیاسی، می توان به مأموریت نهادینه سازی فرهنگ سیاسی مطلوب و یا فرهنگ سازی سیاسی و ارتقای بصیرت سیاسی در درون نیروی انتظامی اشاره کرد. فرهنگ سازی سیاسی در نیروی انتظامی، فرایندی است که در آن، زمینه های تحقق رفتار سیاسی مسئولانه در قبال مسائل جامعه و پیروی و اطاعت آگاهانه و مبتنی بر بصیرت از ولایت فقیه و فرماندهی کل نیروهای مسلح و همچنین دفاع از ارزش های سیاسی مبتنی بر نظام مردم سالاری دینی در درون و ساختارهای نیروی انتظامی فراهم می گردد.

اینک به منظور تبیین ابعاد و مؤلفه های فرهنگ سازی سیاسی در نیروی انتظامی توسط سازمان عقیدتی سیاسی به شاخص های فرهنگ سیاسی مطلوب درون نیروی انتظامی می پردازیم:

۱. تبیین مبانی معرفت شناختی نظام سیاسی ولایی و سلسله مراتب فرماندهی نیروی انتظامی؛

۲. فرهنگ سازی اطاعت و پیروی آگاهانه و مبتنی بر بصیرت از ولایت فقیه؛

۳. آگاهی و برخورداری فرماندهان، مدیران و منابع انسانی از اطلاعات سیاسی در مورد

مسائل درون کشور و همچنین مسائل منطقه ای و بین المللی؛

۴. شناخت جریان ها و گروه ها و احزاب سیاسی کشور؛

۵. شناخت گروه های اجتماعی، اقشار، طبقات، اقوام، طوایف، ادیان و مذاهب مختلف

موجود در کشور؛

۶. توانایی تجزیه و تحلیل پدیده های اجتماعی و سیاسی؛

۷. احساس مسئولیت در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی کشور؛
۸. پیگیری امور و مسائل سیاسی و به‌روز بودن نسبت به آن‌ها؛
۹. برخورداری از روحیه شجاعت و صراحت در میان فرماندهان و مدیران و نیروهای انسانی؛
۱۰. اعتقاد به مردم و نقش کم‌نظیر آن‌ها در حل و فصل امور و مسائل امنیتی و اجتماعی کشور؛
۱۱. فراهم کردن زمینه‌های جلب اعتماد مردم و شهروندان به پلیس؛
۱۲. برقراری ارتباط با لایه‌های گوناگون اجتماعی به‌منظور مطلع شدن از واقعیت‌های اجتماعی؛
۱۳. ایجاد انسجام، همدلی و هم‌زبانی در میان فرماندهان و مدیران منابع انسانی ناجا؛
۱۴. تعمیق فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در میان فرماندهان و مدیران ناجا؛
۱۵. تعمیق فرهنگ شایسته‌سالاری در انتصابات و مدیریت‌های ناجا؛
۱۶. نهادینه‌سازی فضا، روحیه و نشاط سیاسی در میان فرماندهان و مأموران پلیس؛
۱۷. فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن فرهنگ پلیس مسئول و زدودن خرده‌فرهنگ «پلیس مأمور معنور»؛
۱۸. برگزاری کلاس‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی برای فرماندهان و مأموران نیروی انتظامی؛
۱۹. نهادینه‌سازی هوشیاری سیاسی و هوشمندی فرماندهان و مأموران نسبت به تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه؛
۲۰. توانمندسازی فرماندهان و مأموران پلیس در حوزه تجزیه و تحلیل امور اجتماعی و سیاسی؛
۲۱. برگزاری کلاس‌های تحلیل سیاسی برای فرماندهان و مأموران.

۸- فرایند نهادینه‌سازی فرهنگ سیاسی در نیروی انتظامی

گام اول: برونی کردن، مشتمل بر ایجاد همدلی و هم‌زبانی، هماهنگی‌های لازم (اجماع‌سازی و وحدت رویه) با همکاران و ساختارهایی که مرتبط با نهادینه‌سازی هستند. این موارد عمدتاً نظری و نرم‌افزاری تلقی می‌شوند.

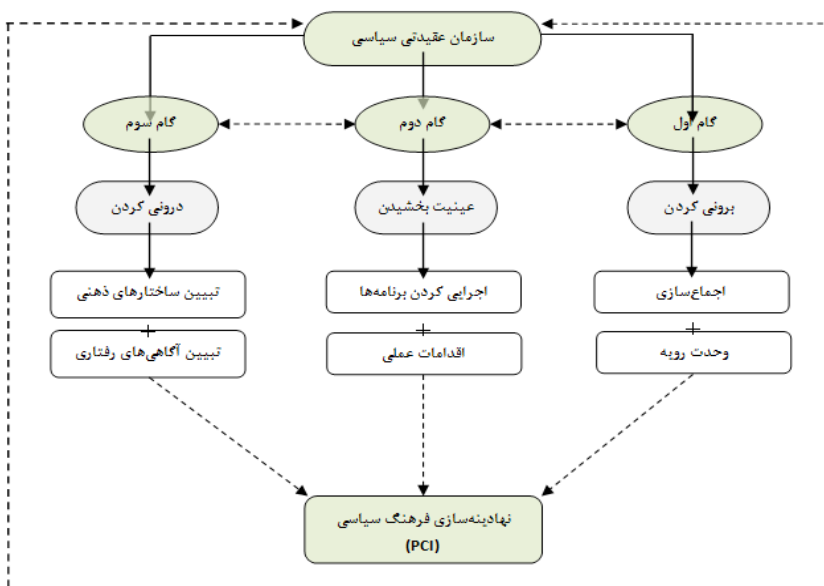
گام دوم: عینیت بخشیدن، مشتمل بر تعبیر و تفسیر و اجرایی کردن برنامه‌ها و اقدامات عملی



در فرایند نهادینه‌سازی (برنامه‌ریزی اجرایی و عملیاتی برای پیاده‌سازی نرم‌افزاری و نظری موارد پیش‌بینی شده در گام اول).

گام سوم: درونی کردن، مشتمل بر تعیین ساختارهای ذهنی آگاهی در میان منابع انسانی سازمان نیروی انتظامی، به‌نحوی که منابع انسانی در کنش‌ها و واکنش‌ها و رفتارهای خود، مبتنی بر این خودآگاهی عمیق، رفتار نمایند.

این مراحل (سه‌گام اشاره‌شده)، در نمودار شماره (۷) با عنوان الگوی مفهومی - تشریحی آورده شده است:



نمودار شماره (۷): الگوی مفهومی - تشریحی کارکردهای سازمان عقیدتی سیاسی در فرایند نهادینه‌سازی فرهنگ سیاسی

سال شانزدهم - شماره ۴۹ - تابستان ۱۳۹۸

منابع

- اهرنجان، حسین و فلورا سلطانی تیرانی (۱۳۷۴). *سازمان‌ها: سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز*. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ایروانی، محمدجواد (۱۳۷۸). *نهادگرایی و جهاد سازندگی*. تهران: وزارت جهاد سازندگی، اداره کل روابط عمومی.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: علمی فرهنگی.
- بیلنگتون، روزا و همکاران (۱۳۸۰). *فرهنگ و جامعه؛ جامعه‌شناسی فرهنگ*. ترجمه فریبا عزبدری. تهران: قطره.
- پارسونز، تالکوت (۱۳۷۸). *نهادینه‌شدن و بی‌هنجاری*؛ از کتاب نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی لویس کوزر و روزنبرگ. ترجمه وزارت ارشاد اسلامی. تهران: نشر نی.
- ترابی، یوسف و محمدرضا رفیعی دولت‌آبادی (۱۳۹۶). *پلیس و نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی امین.
- ترابی، یوسف (۱۳۹۴). «کارکردهای همدلی و هم‌زبانی مسئولان و کارکنان ساعس در ارتقای معنویت و اثربخشی سازمانی». *فصلنامه بصیرت و اندیشه اسلامی*، شماره ۳۴، دفتر مطالعات و تحقیقات سازمان عقیدتی سیاسی.
- جعفرپور کلوری، رشید (۱۳۸۹). *فرهنگ سیاسی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). *نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی: مجموعه بیانات فرماندهی معظم کل قوا از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸*. تهران: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۴). *صحیفه نور*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
- سیاه‌پوش، امیر و علی آقاپور (۱۳۹۰). *فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری*. تهران: نشر شهر.



- محدثی، حسن (۱۳۸۸). طرح تدوین منشور اخلاقی پلیس. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سازمان عقیدتی سیاسی.
- میلر، توبی و همکاران (۱۳۸۹). سیاست فرهنگی. ترجمه نعمت‌اله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نصراله‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۲). مفهوم‌شناسی نظم و امنیت در گستره مأموریت‌های ناجا. تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا (پژوهشکده مدیریت راهبردی انتظامی).

